

(۱۹۶۵، ۱۹۶۶) با بسیاری از فرهیختگان زمان از جمله لئونستون و تورنگرف و رومن مجسور بوده است. او معاصر گاتاکا است. و شباهت فریادش میان آن دو می‌توان یافت. از جمله بیش از آن‌ها نسبت به ادبیات ایران و یادایی که نیستی و مرگ را برای افراد انسانی. همان‌طور از مقام و موقعیت آن‌ها، به ارشاد می‌آورد. از منظر ریلکه هفتن آدمی به آدمی دیگر شاید برای هر یک از ما دشوارترین ریاضتها باشند و این همان فریادش است که گمشدگی در گاتاکا و هدایت نیز می‌توان دید. از نظر او مرزی میان واقعیت و خیال، واقعی و فریادش وجود ندارد، به‌ویژه این که نحوه نگاه او به نشانه‌ها کاملاً مستقل است. چنان‌که می‌گوید: شعر را باید چنان در نظر گرفت که نه درباره اشیا بلکه خود آن‌ها باشند. شعری که بتواند اشیا را فی‌انفسه بیانگراند و خدا را با عیان‌شدن از کده

خود ریلکه درباره شخصیت مابده لاتوریس می‌گوید که او یکسره مستقل از من بیست یافت و وجود و شخصیتی گسب کرده و هرچه بیشتر از من متناهی‌تر شد. نوحه را بیشتر جلب کرد. نمی‌داند آدمی تا چه حد می‌تواند روی معضات کافه به هستی بپیکارچی می‌چنان پیشتر آن چه این جوان خیلی به اعتقاد فرانسوی از سرگرفته‌اند (در پاریس و از راه خاطراتی که در پاریس جان می‌گردد) و تا کمترین در تمام جهات گسترده شده چنان است که یادداشت‌های بیشتری را هر چند بدان نظریه آن چه اکنون کتاب را تشکیل می‌دهد. به هیچ وجه کامل نیست. درست مثل این است که کسی اوراق برده زندگی را در کشویی پیدا کرده باشد و در حال حاضر نتواند چیز دیگری بیابد و ناچار است به همان اوراق قناعت کند. با این همه آنچه در پی پشت این‌ها نهفته است گریه‌ای گریه‌ای است و حسرتی است. ماری در سرودهای پر جنب و جوش است.

عبارتی که نقل کرده خواننده را به یاد هدایت و دیوگوری می‌اندازد. آنها نشان قلم‌نویان خود هدایت است. و ما می‌توانیم میوه کوه را رنگی نامی شخصی هدایت بنامیم؟ دخترها را باید از خبث خوش خوانند. همان‌گونه که میوه کوه را و هر اثر دیگری را اما با کوه کسی از قبل و جان نوسنده باشد. عدد ۱۰۰ اثرش چیزی نیست جز عشق‌دانه. اما طبعاً نه عشق‌دانه مستقیم است. آن‌گونه که متأثر برای طلب استغفار به جا می‌آیند خواننده‌ای که اهل کایش باشد و از تقابلی و تضادات یک متن بفکالی، ترس گرفته می‌تواند رهایی‌های آشنا را در لایه‌های سفوفی، پایین‌سفوفی، ببیند. حتی در کوه‌ها را که برای ایزه گریه می‌کند به چنگل‌گرفته شده‌های است. می‌توانیم بیش از آن چه متن به ما اجازه می‌دهد تا منابع متن اُفت و جویز بیفتیم (۱۹۶۷) ریلکه در حدیثی از دخترها به شعری از بودا اشاره می‌کند البته اشاراتی آمیخته به حسرتی سوزان، که

ماریا ریلکه در هیأت لاتوریس بریلکه

آیا هدایت، دفترها را خوانده بود؟

محمد مرادی

سارد، مترجم (پوهان) و دانش‌کتاب‌گراشان اثر و حرکت خواننده ریلکه نگران بلندآهنگ و واضح آن‌ها نام‌آور می‌خوانند. شد پیش‌بینی چکارند این است که حساس‌تر در طرفی شش ماه آینده منتشرها شده لاتوریس بریلکه نیز شعرها را درون تجربه و تکلیف نیز سرسند بیرون خواهد آمد به احتمال اولی نخستین خواننده فرانسوی زانی که نصیبت کتاب ریلکه را شناخته و مقام ممتاز آن را به‌جا آورده است. فارغ‌اند هدایت باشد. هر زمانی که ریلکه در پاریس در گذشت (۱۹۱۶) بحث درباره اثر او از جمله دفترهای مابده لاتوریس بریلکه در محافل ادبی اروپا، به ویژه فرانسه، سر زبان‌ها افتاد. هدایت فرانسوی مستقلی که ریلکه بزرگ‌ترین اثرش بسیاری به زمان فرانسه سروده و آثاری از طرف او علاوه بر این آلمانی ترجمه و وصل‌ها نظیر در پاریس زندگی کرده است. وجه گسب بسیاری میان ریلکه و هدایت می‌توان یافت. که به سوزایی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

اما در باب نصیبت دفترها باید گفت که آن را هدایت از مدرترین اثر گروه هدایت خوانده است. و در کتاب مجموعه با گریه‌اش آوازه است که نغمی از این دفترها سرسند با بخشی از آن را نقل نگذرد. زیرا ریلکه‌شناسان بر این عقیده‌اند که دفترها نماینده پیشین اصل او درباره انواع هنرها و مه‌تر از همه عشق و مرگ است. ریلکه به‌عبارت صبر نسبتاً کوتاه‌نواشی

پس از قریب هشت دهه، بلاخره دفترهای مابده لاتوریس بریلکه اثر ممتاز را نیز ماریا ریلکه به فرانسه ترجمه شد. مهدی فریادش این اثر ریلکه را از متن انگلیسی به فارسی هم‌وزن برگردانده و خاتم مرسده مسلط‌ترین آن را با اصل آلمانی کتاب مقابله کرده و محضراً بر مضمون آن را با ترجمه فرانسوی کتاب مطابقت کرده و در همین حال وی‌پایان متن ترجمه فرانسوی آن را به‌مقدمه بافته است. در بعضی‌ها تر آروان همچو کتاب بزرگ‌نمایی، که در دفترها در مقابل و طرف گریزنده و لغزنده‌ای است. در حقیقت او شایسته‌ترین جز آن چه مترجم و ناظران کوشنده او به‌مقدمه وجود نداشته است. در وضع کنونی لغت ما به‌مفردت کتابی می‌توان یافت که از منظر چهار زبان این‌گونه گویانده و پیروز شده باشد. و شاید این کتاب از آن رو پخت‌پاز شده است که دفترها در واقع هیأت فرهیخته‌ای که کتاب را نشر کرده‌اند. از معیار متعارف و جاری انتشار کتاب در ایران سرچشمه‌ها معیاری که هر چه غیب نشان، اگرچه سوزنی است. اما هرچنان پریشانی ندارد زیرا این خطر وجود ندارد که ناشر را مایه سوز کند. من، به نوبت خود تردید ندارم که این کتاب با استقبال خوانندگان فرهنگ دوست و نکته‌بین مواجه خواهد شد و به خیال آن ناشری که در نشر کتاب بیش از هر چیز، به بازگشت هزینه و سرمایه خود می‌اندیشد نشان خواهد داد که احسان خطر آن‌ها چندان وجهی



علی حاتمی (چهره‌های قرن بیستمی ایران)

نویسنده: عباس بهارلو (غلام حیدری)

ناشر: نشر قصه

چاپ اول: ۱۳۷۹

بی‌تردید عباس‌علی حاتمی یکی از چهره‌های اصلی سینمای ایران است که به نحو بارزی بر آن تأثیر گذاشته است. تأثیر بارز حاتمی بر سینمای ایران به این معنی است که نقش و رنگ ممتاز او بر سینمای ایران از نقش و رنگ آثار سینماگران دیگر متمایز است. او در میان فیلمسازان هم‌نسل و نسل پس از خود ماندنی ندارد؛ زیرا از همان آغاز فعالیت فیلمسازی خود درصد خلق آثاری بود که در سینمای ایران، تقریباً، سابقه نداشت. کم‌تر کسی که با سینمای حاتمی آشناست در معرفی او به عنوان یگانه فیلمساز «اصیل» و «اورژینال» دچار تردید می‌شود.

کتاب «علی حاتمی» تألیف عباس بهارلو از مجموعه «چهره‌های قرن بیستمی ایران» است. که به‌عنوان دفتر دوم، از سوی نشر قصه منتشر شده است. دفتر نخست به بهرام بیضایی تعلق دارد. دفترهای بعدی شامل معرفی نیما و فروغ و سپهری و علوی است که یکی پس از دیگری در حال انتشار هستند.

در بخشی از کتاب «حاتمی» در بحث از تاریخ‌نگاری فیلمساز، که تحت عنوان «مجادله مورخان» به آن اشاره شده، آمده است: «حاتمی روایت نمایشی خودش را از تاریخ معاصر ایران ارائه می‌کرد و اگر لازم بود واقعیت‌هایی را فراموش یا وارونه می‌کرد یا به سکوت از کنار آن‌ها می‌گذشت تا ساختار اثر خود را هرچه نمایشی‌تر عرضه کند؛ انکار واقعیت واقعی به نفع واقعیت نمایشی.»

کتاب «علی حاتمی» تحلیل جامعی است از حاتمی به عنوان یک فیلمساز صاحب سبک که تصویر دقیق و مستندی از کارنامه فیلمسازی او را به دست می‌دهد. کتاب شامل سالشمار زندگی علی حاتمی و یک نمایه است که جمعا ۱۵۵ صفحه را در برمی‌گیرد.

تجزیه و تحلیل روان خود را ندارد؛ آدمی است که از دنیای پیرامونش جدا شده و شبکه اعصاب حسّی و روان‌اش به هم ریخته است. نویسنده نقاش قلم‌دان را در یک طرح داستانی دنبال می‌کند و او را در حالی که در کلاف سردرگم تخیلات و توهماتش گم شده، رها می‌کند.

اما رابطه هدایت و ریلکه به این جا محدود نمی‌شود. در سومین صفحه «دفترها» آمده است: و دیگر نامه هم نمی‌خواهم بنویسم چه فایده دارد به کسی بگویم که دارم آدم دیگری می‌شوم...؟ دیگر آشنایی ندارم. پس برای غریبه‌ها، برای آن‌ها که مرا نمی‌شناسند، چه بسا نمی‌توانم چیزی بنویسم. حالا آن را با این عبارت از نامه هدایت به مصطفی فرزانه (سال ۱۳۲۹) بسنجید: «از کاغذ [نامه] و این جور چیزها و حتی از زبان باستان و خط باستانی و خیلی چیزهای باستانی دیگر که به دم ما بسته است غم می‌نشیند... کاغذنویسی در زمان مرحوم مادام سومینیّه و شادروان قائم مقام و این جور موجودات پُرچانه و پُرمدعا و خودنما سوکسه داشته و یک جور اظهار لحنیه به‌شمار می‌رفته.» یا با این قطعه از نامه او به جمال‌زاده در دو سال قبل از آن: «مدت هاست که عادت نوشتن از سرم اقتاده است. خود به خود این جور شده. مثل خیلی revirements [دگرگونی‌ها، تغییرات حاد] دیگر که دانسته یا ندانسته در من انجام گرفته... حرف سر این است که از هر کاری زده و خسته و بیزارم و اعصابم خرد شده. مثل یک محکوم و شاید بدتر از آن شب را به روز می‌آورم و حوصله همه چیز را از دست داده‌ام. نه می‌توانم دیگر تشویق بشوم و نه دل‌داری پیدا کنم و نه خودم را گول بزنم. وانگهی میان محیط و زندگی و مخلفات دیگر ما ورطه وحشتناکی تولید شده که حرف یکدیگر را نمی‌توانیم بفهمیم و شاید به همین علت Spiritisme [وجود ارواح، رابطه با روح] دروغ باشد، چون اگر راست راستی ارواح می‌آمدند و می‌خواستند با ما رابطه پیدا کنند نه حرف آن‌ها سرمان می‌شد و نه وراجی آن‌ها به دردمان می‌خورد.»

به این گونه تشابهات میان ریلکه و هدایت، باز هم می‌توان اشاره کرد. اما چنان که گفتیم این نشانه‌ها و عناصر مشترک به دو ساختار فکری و ادبی متفاوت تعلق دارند. خاطرات، یا خاطرات مشترک، از نشانه‌ها و عناصر فراوان تشکیل می‌شوند و زمانی اهمیت پیدا می‌کنند که در انبار ذهن نویسنده، یا هنرمند، انباشته بشوند و آن‌ها قادر باشند صبرپیشه کنند و منتظر بمانند تا دیگر بار باز گردند؛ «زیرا خاطرات خود به کار نمی‌آیند. آن‌گاه که در جان‌مان به خون و نگاه و رفتار تبدیل شوند، آن‌گاه که دیگر نامی ندارند و از ما جدا نیستند، شاید در سلتی یگانه، از این میان، نخستین واژه شعری برخیزد و رها شود.»

نزد شاعران و ادیبان و اهلی هنر آشنا است. شعر بودلر او را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که می‌گوید: این شعر را از کتابی بیرون آوردم و یادداشت کردم تا به من نزدیک باشد، آن چنان که گویی از انگشتان خودم تراوش کرده است. وقتی ریلکه خودش را تا این اندازه وام‌دار می‌داند و در مقام شاعر و نویسنده‌ی ممتاز اعتراف می‌کند که می‌تواند تحت تأثیر دیگری باشد مانسبت به رابطه هدایت با ریلکه چه باید بگویم؛ اگرچه خود هدایت هیچ‌گاه متعرض این تأثیرپذیری نشده است. گفتیم ما دفترها را از حیث خودش می‌خوانیم و بوفکور را، و ایضا هر اثر دیگری را. این اشاره شاید ضروری باشد که عنوانی نخست دفترها «دفترچه یادداشت‌های روزانه وجود دیگر من» بود، و نخست بار حتی با همین عنوان چاپ شد. این عنوان تأکیدی است بر رابطه ریلکه با راوی نویسنده. یادداشت‌ها؛ همان رابطه‌ی که می‌توان برای نقاش قلم‌دان بوفکور و هدایت قایل شد. اهمیت این مقایسه وقتی آشکار خواهد شد که بدانیم نویسنده دفترها جوانی است بیست‌وهشت ساله و اهلی قلم، و فوق‌العاده حساس، سودا زده، منزوی و مضطرب که برای کار و مطالعه به پاریس رفته است. یادداشت‌های این جوان مملو از احساسات کنایی او درباره گذشته نویسنده، تنهایی، رنج و مرگ است؛ همان احساساتی که نقاش قلم‌دان نیز در جنبه آن‌ها سخت گرفتار است. می‌دانیم که هدایت نیز قبل از رفتن به پاریس دو کتاب منتشر کرده بود و مقاله معروفی - کمابیش شبیه به یک قطعه ادبی - درباره مرگ نوشته بود. اقدام به خودکشی نخست او - انداختن خودش در رود مارن پاریس - کمتر از دو سال پس از مرگ ریلکه اتفاق افتاد. (مرگ ریلکه، که اشعارش جذبه شگفتی برای جوانان سرخورده اروپای بعد از جنگ داشت، تا مدت‌های طولانی در مطبوعات فرانسه مورد بحث بود.)

نقاش قلم‌دان هدایت، مانند لائوریس بریگه، مردی است جسماً و روحاً بیمار، که خاطرات ایامش را برای «سایه خودش» می‌نویسد. (برای مقایسه بوفکور با اثر ریلکه و تأثیرپذیری هدایت از او خوانندگان می‌توانند به مقاله «هدایت و ریلکه» نوشته منوچهر مهندسی در کتاب «شناخت‌نامه صادق هدایت» گردآورده شهرام بهارلوییان و فتح‌الله اسماعیلی، نشر قطره، مراجعه کنند.) اما تفاوت‌ها و امتیازهای کتاب هدایت و اثر ریلکه، نسبت به هم، طبعاً به مراتب بیشتر است. شخصیت مخلوق ریلکه آدمی است که در احوال خودش جست‌وجو می‌کند؛ گونه‌ی روان‌کاوی شخصیت است و از «طرح» و «نقشه» (Plot) مشخص در آن چندان اثری نیست. در واقع ما با تأملات نویسنده روبه‌رو هستیم، نه با داستانی از او. حال آن که بوفکور تصویرگردان نقاش قلم‌دان وازدهی است که قدرت

اوضاع و احوالی دیگر به لوموند یا چه کارا بهار پراگ پذیرفته شده است. بر حسب خورده است اما همچنان ناشناخته مانده است.



من و تو
مجموعه سیمین سهراب
نوشته مارزین جواد
مترجمان: لوتولاب سهراب و الهام
مطهری
نشر: فرزان روز
چاپ اول: ۱۳۸۰

مارزین جواد (۱۳۶۵-۱۳۸۸) فیلسوف و نویسنده معاصر ایرانی است. او در زمینه‌های فلسفه، ادبیات و تاریخ فعالیت داشته است. کتاب «من و تو» مجموعه‌ای از نوشته‌های او است که به بررسی رابطه بین فرد و جامعه می‌پردازد.

کتاب من و تو یکی از مل‌تکبرترین و جذاب‌ترین آثار است که در قالب گفت‌وگو فلسفی تجربه ذهن و حیات معنوی را در جلوه‌های گوناگون آن می‌کاود و مرزهای رابطه و پیوند انسان را با اشیا و اشخاص و سرانجام با امر معنایی بازمی‌سازد.

مترجمان: لوتولاب سهراب و الهام مطهری
نشر: فرزان روز
چاپ اول: ۱۳۸۰

کتاب دومین مجموعه از گفت‌وگوهای



روایت انقلاب
مجموعه گزارش‌های مستند از میلان
کولاندرا کارسیا مارکز، کالدین گوردیویر

ترجمه فریوخ یوزباشی
نشر: فرزان روز
چاپ اول: ۱۳۸۰

شعاری از نویسندگان از جمله نادین گوردیویر، میلان کولاندرا و کارسیا مارکز، روایت خود را از انقلاب در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای خاور میانه ارائه می‌دهند. کتاب با روایت گوردیویر از انقلاب ۱۹۶۸ که انقلاب چینی را در غرب به سرانجام رسانید، به شرح هژمونیک‌های روسی را که در جریان‌های پراگ پراگ کرده بودند، می‌پردازد. چیزی که توجهات دیگر به‌ساز خوش‌برخورد می‌سازد با

عصمتی آشکار از من پرسید: شما چک‌ها دقیقاً چه می‌خواستید؟ آیا به چنین روایتی از سوسیالیسم خوشه شده‌اید؟ آیا جامعه معرک‌های غرب را ترجیح می‌دهید که امروز بعد از شرف‌های صلح جناح چپ غرب تقریباً به اتفاق بهار پراگ را تأیید می‌کند، اما معطمان نیستیم که سوادهاها کلاً از طرف شده باشد. روشنگرهای غرب با خودمباری زفراتشان اغلب به رویدادها نه به منظور ترک آن‌ها بلکه به این دلیل علاقمند می‌شوند که آن‌ها را خندیده باریک‌بین‌نشی‌های دایره‌یک خوششان بکنند. بدین ترتیب الکساندر دیوچک تحت شرایطی می‌تواند به تفریح به آنکه با روشنگری تبدیل شود و تحت



فلسفه با فدریکو گامبرینو
ترجمه آناهیتا لیلیان
نشر: فرزان روز
چاپ اول: ۱۳۸۰

شخصیت یک بازیگر، نویسنده با نفاش از نظر فدریکو فیلس چیست؟ این فیلسوف بزرگ آرئیست را کسی می‌داند که امری است که در ایست صدایش می‌زند و او باید به این ندا جواب دهد. این کتر را که کرده به چیزی شبیه به یک کپه‌مان پرتاب می‌شود شکل این کپه‌مان مهم و تازیک است و لو با آن رابطه مخصوصی برقرار می‌کند که محرمانه و ناگفته است. عمده را که اصل خوب کار دیگری نباید بگذرانیم امرو آن نویسندگان محبوب فلسفی اروپا و کالیون هستند. او می‌گفت من نویسنده‌ای را دوست دارم که می‌تواند کار کرده و به طور کلی حرف خود را بیان کند. او سواراوسا را دوست می‌داشت که میل دارد همه چیز را سرفه‌ی هشتاد و هشتاد یک بیولون‌ست نگاه کند، ولی حرف که سالی

فر ووشن بیست‌ترین مقاله‌اش سولفی نمی‌شود. فلسفه خود را از این که چاره دیگری نیست و مبنی مفرط خود را به دانش استفاده‌ی دیگر پنهان کند. فلسفی کالیون را به دلیل ظریفی سوسرچاش دوست داشت و او را نویسنده‌ی شگفت و فنون‌گشاده تکلیف می‌داد.

کامتازو گفت‌وگویی گفت‌وگویی بلند با فدریکو فیلسوف کاتر کالیون است. خیرنگار سابق و فیلسوف بزرگ تاریخ سیمینا دانشه است. فر این کتاب گفت‌وگو با همسر وی و سایر نظرات شخصیت‌های سیمینا درباره فلسفی را می‌خواند.



نوشته‌های زیاده
ترجمه فرزان روز
چاپ اول: ۱۳۸۰

فلسوفی با همسرش در پیش‌گفتاری در کتاب خود می‌نویسد: کتابی که در معرض دید خواننده اشیا می‌ماند می‌شود کتابی است به ظاهر پر از نکته و پیچیده که در آن سطوح مختلف آگاهی و وجه مفهومی شناخته شده از فلسفه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، با هنر برخورد می‌کند. و شاید هم نوعی آنگک ناموزون چندپنوی ایجاد می‌کند. این نامش قطعاً عمیق نیست، بلکه از آشنایی اوضاع فرهنگی خود جهان ناشی می‌شود. جهانی که آن جهان مختلط و رنگارنگ گشته است که بافتن یک نگرش سکین و بعدی فراگیر بسیار ششور شده است. در این نوشته کوشیده‌ام در حد توانایی خود طرح هر چند ناقص و ندریسا از فیلسوفی در واقعیت فرهنگ گیتی جهان تریسبه کتب به‌داری این کتاب هم بر مصادقات و عمده متون و به پرمختصات چون سعی می‌کند در پس این آشنایی نظام منجمد را عیان سازد و ساخت‌های سبلی آن را در سطوح گوناگون شناخت دنبال کند. این متون هم هست. زیرا هیچ نامیدی ندارد که فیلسوفی جدید ارائه دهد یا دیدگاه خاص و ناگفته‌ای عرضه کند.



همچنان!

تانه می دانم چه وقت

شعر هیوا مسیح

ناشر: قصیده

چاپ دوم: ۱۳۸۰

در آسمان پرند بیست

که می ماند در باد و باز

دور می شود در آن

چشم ببندی اگر

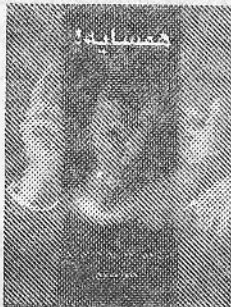
به نیت یک باغ

من پرند را

از این همه خیابان بی درخت

می نشانم بر شاخه بی

که در چشم های توست.



همسایه

چیزهایی امشب به یادم می آید

هیوا مسیح

ناشر: قصیده

چاپ اول: ۱۳۸۰

همسایه، تازه از سفر آمده بودم.

ناگهانی رفته بودم و ناگهانی آمده

بودم و ناگهانی بود همسایه این شعر.

از خواب پریدم. چیزهایی دیده بودم،

اولین چیزی که دیدم، پنجره و در رو

به مهتابی بود شب، پشت پرده توری

و در سایه روشن کمرنگ نور نمی دانم

کجا گم شده بود.



شخصیت ها، قلت فصل ها و تمرکز

حوادث در پیرامون داستان مرکزی،

قدرت خاصی بدین کتاب بخشیده.

کتابی که بدون شک یکی از

شاهکارهای این داستان نویسنده

ایتالیایی به شمار می رود.

«وسوسه» برای اولین بار از ماه

سپتامبر ۱۹۱۹ به صورت پاورقی در

یک روزنامه ایتالیایی به چاپ رسید.

در سال ۱۹۲۰ یک ناشر معتبر

ایتالیایی آن را به صورت کتاب چاپ

و منتشر کرد و در سال ۱۹۲۸ (دو

سال پس از اهدای جایزه نوبل به

خانم دلدا) به زبان انگلیسی ترجمه

شد.



چهارمین کتاب سال شیدا

مجموعه مقالات موسیقی

گرد آورنده: محمدرضا لطفی

(ویژه اسلام و موسیقی)

چاپ اول: ۱۳۷۹

کتاب حاوی مقالاتی از نیکلای

تایوکوف تحت عنوان آموزش موسیقی

در کشورهای شرق، ژاک شارپتیر

درباره مسائل ناشی از به کارگیری

شیوه های آوانگاری برای موسیقی

سنتی، آنتون شیلوا درباره موسیقی

در اسلام و دیدگاه های هگل درباره

موسیقی و...

مدت از آمیزش با پادشاه زاده شده بودند، آشکار می ساخت و شاه را که در این زار شب از اندیشه شوم بدگمانی به زنان و کشتار همگانی آنان درمان قصه - درمانی شده بود، دلپسته زن و فرزند می کرد... افسانه های گوناگون هندی، ایرانی، عربی، یونانی و مصری را در افسانه های هزارویک شب می توان بازشناخت و...



روشان سپهر اندیشه

فلسفه و زیباشناسی در ایران باستان

پژوهش: شیوا کاویانی

ناشر: کتاب خورشید

«به دلیل از میان رفتن تقریباً تمامی

نوشته ها و منابع باستانی ایران پیش از

زرتشت، تنها با بازخوانی گفتارهای خود

زرتشت و نیز مطالعه آیین های ودای

هند و نوشته های یونانی ها می توان به

این سرچشمه های ناب دست یافت.

پژوهش هایی که در این کتاب آمده، هم

نتیجه سنجش های تطبیقی فرهنگ ها

و آیین های جهانی است و هم دستاورد

مطالعه های مسودی در فرهنگ و

اندیشه ایرانی...»

این گوشه بی از مقدمه خانم شیوا

کاویانی بر این کتاب است که در حوزه

«فلسفه و علوم اجتماعی» قرار می گیرد.

وسوسه

نوشته گراتزیا دلدا

ترجمه بهمن فرزانه

ناشر: کتاب خورشید

چاپ اول: ۱۳۸۰

رمان وسوسه درامی است بسیار قوی

از عذاب وجدان ها و تناقضات درون

انسان ها که وقایع آن فقط در طی دو

روز، رخ می دهد. تعداد مختصر

بورخس با اسوالدو فراری است. بورخس درباره این کتاب می گوید: من و اسوالدو فراری کوشیده ایم به وارگان امکان دهیم، ورای ما، یا شاید بدون آگاهی مان و به هر حال به دور از قاطعیت جریان یابند. فراری نیز درباره این گفت و گو می نویسد: پرسش های مطرح شده غالباً بدون تصمیم یا هدف پیشین، به دشوارترین مسائل زندگی کشیده شده اند. دیدگاه های بورخس تازه ترین و هیجان انگیزترین دیدگاه ها هستند.



برگزیده و شرح

هزار و یکشب

به کوشش ابراهیم اقلیدی

ناشر: فرزاد روز

چاپ اول: ۱۳۸۰

از آثار افسانه ای ایران پیش از اسلام

کتابی به نام هزارافسانه یا به زبان پهلوی

هزار افسان است که قهرمان اصلی آن

زنی به نام شهرزاد، کمتر از دویست

افسانه را در گذار هزار شب برای

پادشاهی که به زنان بدگمان بود و هر

شب دوشیزه بی را به زنی می گرفت و

پگاهان می کشت، حکایت می کرد. او با

تدبیر نیمه کاره نهادن داستان، هر شب

از مرگ می رست و سرانجام در شب

هزارم داستان بدین گونه پایان می یافت

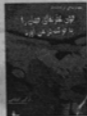
که شهرزاد فرزندان را که در حین این



سوزن تر از های مخوف
امتیاز خوشین شاه‌علی
مؤلف
مطرافه آدام اولتاریوس
ترجمه حسین کر دیچه

ناشر: فرهنگ
چاپ اول: ۱۳۶۹

آدم اولتاریوس ریاضی‌دان، منجم و نماینده سیاسی آلمان، فرزندش سوم گرانوگ هلشتین، در ایران خاطرات سفر خود به روسیه و ایران -اصفهان را- در سال ۱۶۶۷ میلادی مستطف داد مؤلف در این کتاب به تشریح آداب و رسوم روس‌ها، ایرانیان، مسلمانان و زرتشتیان جغای اصفهان و... می‌پردازد این سفرنامه در دو جلد توسط انتشارات هیرمند منتشر شده است



چون طریقه ای جهان را به حرکت در می آورد
نویسنده: توماس هابز
ناشر: تهران‌ساز
چاپ اول: ۱۳۸۰

توماس هابز، ریاضی‌دان و فیلسوف در دلتی گره آورده است نخستین روایت را می‌خوانیم؛ خواست از دلاوی زندگی را بیستما، تساهلی را تساهم نشاند و بگذریم اگر، رستی گسست و دلاوی گسخت



نظریه ایترونت در پژوهش
مؤلف: دکتر علی برنده
ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
چاپ اول: ۱۳۸۰

این کتاب به روش‌های جست‌وجو، پژوهشی انتخاب تولید بازها و استخراج اطلاعات از طریق بستن اطلاعات، مغشایی و بانک اطلاعاتی بزرگ جهانی به نام ایترونت می‌پردازد



فلسفه‌های هنر
نویسنده: پتر کوی
ترجمه: محمدعلی حیدرعلی

هنر، دهر دردمش‌حق فرحانی پتر کوی استاد فلسفه و صاحب‌نظر سرشناس فلسفه‌های هنر، کتاب حاضر را حاصل تلاش برای ارائه تعریف اثر هنری با پژوهش در باب آراء و نظرات فلاسفه خواننده و قرن هجدهم را به عنوان نقطه شروع پژوهش خود انتخاب کرده است در این کتاب دیدگاه کوی در باره تاریخ نظریه زیبایی‌شناسی از هابسون تا دانش و بررسی نظریه‌ها درباره ادبیات و موسیقی را می‌خوانیم



عاشقانه
گزینه سروده‌های شاعران کمروزی ایران
مؤلف: نیاز بهوشانی
ناشر: فرهنگ
چاپ چهارم: ۱۳۶۹

عاشقانه‌ها گزینه سروده‌های سی‌ونه تن از شاعران امروز ایران از نسما تا باایچانی است نگاه اصلی در این مجموعه به شعر شاعران هیرمد شرح‌حال -معرفی دفترهای شعری، نقد شعر و نیز دیدگاه آنان در باره شعر -غزل‌پاره، عشق و با شعر عاشقانه، چه به صورت صحابه و بی‌انتقال از آثار مکتوبشان، بوده است



خاله عزیز
مجموعه عکس‌های فاشده نمیدی
ناشر: کتاب خورشید
ناقصه نمیدی با دوربین خود زوهای متنوع خاله قدیمی مازنی بزرگ - نمونه کسبای از معماری سنتی تهران - را کاورده است



پروانه‌های خاموش
شعر رضا پناهی
ناشر: فرهنگ
چاپ اول: ۱۳۸۰

ارشدیور رستنی در مقدمه‌ای به کتاب شعر رضا پناهی، شاعر نوجوان، وی را در زمره نسل تازه شاعران دهه ۸۰ این سرزمین معرفی می‌کند در تاروپود هر بابیان زندگی‌های پرملالی لهفته است زندگی‌های عظیم با کوچکی که بهاد در میان نهاده با کف حقیر از کشتی‌های بزرگ دیده‌های عاشق با زمین شوی بی مقدار و آن‌گاه ترکشان گفته

شاهنامه‌ی فردوسی



مهری بهفر

E-mail:
Behfar-mehri@yahoo.com

چاپ حاضر از شاهنامه‌ی فردوسی - بر پایه‌ی چاپ مسکو (۱۹۶۳ م) -
دارای ویژگی‌های تازه‌ی زیر است:
۱. شرح یک‌بندگی، ابیات، عبارات، اصطلاحات، تعبیر کتبی و
استعاری و -

۲. گزارش و ریشه‌شناسی واژگان متن
۳. توضیحات لازم درباره‌ی شخصیت‌ها و رویدادهای اساطیری -

۴. حماسی شاهنامه از منظر روایات گوناگون متون کهن.
۵. برگردان عربی شاهنامه از آیه‌التلخیص بنامی اسفندی (حدود
۱۶۲۰-۱۶۲۱ ق.)

۶. افزون بر پنج نسخه مورد مقایسه شاهنامه‌ی چاپ مسکو، با
نسخه‌های قدیمی (۱۶۱۶ ق.) و چاپ مختلف (۱۳۶۸ ش)
نیز مقایسه شده است.
۷. فهرست واژه‌های ارزشمندی شده اوستایی، پارسی
باستان، یهودی اشکانی و ساسانی و -

۸. فهرست واژه‌های عبری
۹. فهرست واژه‌های غیر یونانی و غیر عربی
۱۰. برگردان کتبی شاهنامه از جعفر اتکینسون
۱۱. مال حق علوم اسلامی

انتشارات هیرمند

تهران - خیابان انقلاب، خیابان لیلایی، نزدک، بین فروردین و

فخرآزادی پلاک ۱۷۰ تلفن: ۶۹۵۳۰۷۶ - ۶۹۵۳۰۸۸۷

تلفن و دورنگار: ۶۹۵۳۶۱۲

گسترده‌ی سهام ۹۵

